

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۱۰، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۸

صفحات ۴۳ تا ۶۸

بررسی تطبیقی تحولات حقوق حاکم بر مسئولیت مبتنی بر تولید

علیرضا باریکلو*

استاد گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۷)

چکیده

یکی از مسائل مهم حقوق معاصر، تحولات حقوق حاکم بر مسئولیت مبتنی بر تولید است. چون حقوق حاکم بر مسئولیت مبتنی بر تولید با گذشت زمان در پرتو اهداف آن متحول شده است؛ لذا زمانی که هدف آن، جبران زیان ناشی از مصرف کالای معیوب و حمایت از مصرف‌کننده بود، حقوق قراردادهای مناسب تشخیص داده شد. با گذشت زمان عدم کارایی حقوق قراردادهای در حمایت از مصرف‌کننده روشن شد و مسئولیت مبتنی بر عیب یا مسئولیت محض با حق دفاع برای تولیدکننده مطرح گردید. ولی این قواعد می‌توانست فقط جبران خسارت مصرف‌کننده را پوشش دهد. همچنین تحولات مقوله قدرت در حقوق عمومی و تأثیر قدرت اقتصادی بر اقتدار حاکمیت ملی موجب شد که هدف حمایت از منافع ملی در موضوع تولید مورد توجه قرار گیرد. از این رو، قواعد حقوقی مسئولیت مبتنی بر تولید در ساختار حقوق بازار تدوین شد تا تمام اهداف حقوقی را پوشش دهد.

واژگان کلیدی

حق دفاع تولیدکننده، حقوق بازار، حقوق قراردادهای، مسئولیت محض.

مقدمه

یکی از موضوعات مهم سیستم‌های حقوقی معاصر، قواعد حقوقی حاکم بر مسئولیت مبتنی بر تولید است. مراد از قواعد حقوقی مجموعه اصول و مقرراتی است که در یک سیستم حقوقی با توجه به مبنای انتخاب‌شده و هدف موردنظر قانون‌گذار، بیشترین ظرفیت و قابلیت را برای اداره حقوقی موضوع داشته باشد. تعیین قواعد مناسب حاکم بر مسئولیت مبتنی بر تولید دارای اهمیت زیادی است، چون از سویی، تولید اعم از کالا و خدمات از ضروریات یک جامعه و نیز از استوانه‌های اصلی یک رژیم سیاسی در صحنه جهانی و روابط بین‌المللی است که هیچ دولتی بدون تکیه بر تولید نمی‌تواند ثبات و استحکام داشته باشد. از سوی دیگر، انگیزه سودجویی مطلق و بی‌حد تولیدکنندگان ممکن است موجب تولید کالای معیوب از طریق کاهش هزینه‌های منطقی تولید با هدف افزایش سود شود. این اقدام سبب اجحاف به مصرف‌کننده و حتی ورود آسیب به اقتصاد ملی خواهد بود؛ لذا دولت‌ها ناچار به دخالت و ورود در این خصوص با هدف تأمین عدالت شده‌اند تا بین منافع تمام طرف‌های رابطه، توازن و تعادل برقرار گردد.

بنابراین، نقش حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید، ایجاد توازن بین توقعات تولیدکننده و مصرف‌کننده و تنظیم بازار است که در حین حمایت از مصرف‌کننده و تعدیل انگیزه سودطلبی نامحدود تولیدکننده، تولید را از حیث کمی رونق و از حیث کیفی ارتقا دهد. به همین دلیل بعضی، قواعد مسئولیت مبتنی بر تولید را پایه یا مقیاس حقوق بازار، مکانیسم جبران خسارت، مکانیسم تأمین سلامت محصولات، و مقیاس حقوق مصرف‌کننده توصیف کرده‌اند که قواعد ساختاری و اجرایی آن باید با توجه به جایگاهش در میان این رشته‌ها تعیین شود (Tulibacka, 2009, p. 47)؛ لذا این حقوق از ابتدای پیدایش در پرتو اهداف آن تاکنون تحولات تکمیلی بسیاری داشته است. در این مقاله بررسی می‌شود که حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید چه تحولاتی داشته و آیا روند آن هدفمند بوده است؟ فرضیه مقاله این است که در بعضی از سیستم‌های حقوقی، حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید، حاکمیت حقوق قراردادهای، قواعد غیرقراردادی و حقوق بازار را تجربه کرده که با توجه به اهداف، این سیر تحولات منطقی است. اما در حقوق موضوعه ایران اغلب به مسئولیت قراردادی استناد شده که ضروری است تحولاتی در آن انجام شود. بنابراین، در این مقاله سیر تحولات حقوق حاکم بر مسئولیت مبتنی بر تولید با توجه به اهداف آن بررسی می‌شود.

حقوق قراردادهای

خاستگاه اولیه مسئولیت تولیدکننده مطالبات قضایی مصرف‌کننده بود، چون هر مصرف‌کننده‌ای که از مصرف محصولی آسیب می‌دید، جبران خسارت آن را مطالبه می‌کرد. لذا

اولین قواعدی که دادگاه‌ها به‌عنوان قواعد حاکم بر مسئولیت مبتنی بر تولید تشخیص دادند، حقوق قراردادهای بود، چون هر تولیدکننده‌ای محصول تولیدی خود را از طریق قرارداد به بازار عرضه می‌کند. به همین دلیل بعضی معتقدند حقوق قراردادهای سنگ زیربنای پیدایش حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید است، زیرا از یک طرف، برابر ماده ۱۱۴۷ قانون مدنی فرانسه متعهد مسئول جبران خسارت ناشی از عدم اجرای قرارداد است ولو حسن‌نیت داشته باشد و از طرف دیگر، مطابق مقررات، بایع دو تعهد اصلی تسلیم مبیع و تضمین آن را دارد. تعهد تضمین متضمن تعهد سلامت مادی و حقوقی است و اگر کالایی ایجاد خسارت کند، تعهد سلامت مادی برای طرح مسئولیت تولیدکننده کافی است. لذا دیوان عالی فرانسه این تعهد را برای فروشندگان حرفه‌ای تعهد به نتیجه توصیف، و در رأی ۲۰ مارس ۱۹۸۹ حکم کرد فروشنده حرفه‌ای تعهد به امنیت مبیع دارد که نباید هیچ عیبی داشته باشد (fairgrieve, 2005, p. 86). طرف‌داران این نظریه معتقدند هر تولیدکننده‌ای از طریق انعقاد قرارداد محصولش را برای مصرف‌کننده نهایی به بازار عرضه می‌کند و زنجیره‌های توزیع مانند پلی است که تولیدکننده را به مصرف‌کننده ارتباط می‌دهد. بنابراین قراردادهای واسطه بین تولیدکننده و مصرف‌کننده اهمیت زیادی ندارند.

حقوق قراردادهای در پیدایش مسئولیت مبتنی بر تولید نقش زیادی داشت. لذا بعضی حقوق قراردادهای را مجموعه قواعد پیچیده توصیف کرده‌اند که فرایند معاوضات و انتقالات را تنظیم، و به‌طور سنتی سه نقش اصلی تعیین توافقات الزام‌آور قانونی، تعیین حقوق و تعهدات ناشی از توافقات مبهم اما قابل اجرا، و فراهم کردن ضمانت اجرای حقوقی نقض غیرموجه و بدون عذر را ایفا می‌کند که باید نقش توزیع ثروت بین اعضای جامعه را نیز داشته باشد (Kronman, 1980). (p. 472-474) حتی برخی بر این باورند که مسئولیت قراردادی باید توانایی اعمال خسارت تنبیهی را نیز داشته باشد. عامل اصلی این تحولات در مبانی فلسفی حقوق تعهدات را باید در پدیده‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی-حقوقی جدید دانست که در آغاز قرن بیست و یکم در کل اروپا و ایالات متحده، ارتباط و پیوستگی داخلی تئوری‌های مسئولیت را با چالش مواجه کرد. اما چون حقوق قراردادهای از انتظارات و توقعات ایجادشده در معامله حمایت می‌کرد، نقش حقوق تعهدات به‌طور سنتی محدود تعریف شد (Cooter, 1991, p. 11-30) که لازم بود در بعضی از اصول بنیادین تحولاتی انجام شود که به مهم‌ترین آن اشاره می‌شود.

۱. توسعه در شروط ضمنی

یکی از پیامدهای حاکمیت حقوق قراردادهای بر مسئولیت مبتنی بر تولید، توسعه در شروط ضمنی بود. مراد از شروط ضمنی، تعهداتی است که طرفین قرارداد هیچ مذاکره‌ای بر آن

نکرده‌اند، اما به استناد عرف باید به آن ملتزم باشند. به استناد این تحول، نقض قرارداد در معنای جدید و قلمرو وسیعی تفسیر، و استانداردهای متنوع تعهدات سلامت کالا با عنوان شروط ایمنی ضمنی از سوی دادگاه‌ها و دکترین حقوقی در قراردادهای فروش مطرح شد. در نتیجه، عرضه محصولی که موجب ورود خسارت شده، سبب نقض قرارداد و نیز مسئولیت تولیدکننده شمرده می‌شد (Tulibacka, 2009, p. 64). در حقوق ایران نیز بعضی (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۴۰ و ۱۰۲) به استناد تضمین ایمنی ضمنی کالا یا تعهد ضمنی فروشنده به ایمنی، سود عموم (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۸۶) را مطرح کرده‌اند.

در نتیجه، با اینکه حقوق قراردادهای به‌طور سنتی متمرکز بر تعهد استرداد قیمت محصولی بود که مطابق با شروط قراردادی نیست، به تدریج خسارات بدنی و مالی ناشی از استعمال محصول را نیز شامل شد. برای مثال، دکترین فرانسوی مسئولیت فروشنده را تحت عنوان «نظریه زنجیره قراردادهای یا گروه قراردادهای» در قبال خریداران فرعی و شخص ثالث مصرف‌کننده با عنوان عضو خانه یا خانواده، به استناد شرط ضمنی به نفع ثالث توجیه کرد. هر چند دیوان عالی کشور فرانسه از دکترین زنجیره یا گروه قراردادهای به‌طور صریح اعراض نمود (p. 31, Moréteau, 2015) و بر اصل نسبی بودن آثار قرارداد به استناد ماده ۱۱۶۵ قانون مدنی فرانسه اصرار داشت و اجازه نداد ثالث زیان‌دیده از عدم اجرای درست قرارداد بر مبنای مسئولیت قراردادی اقامه دعوی نماید، اما در دکترین حقوقی، تعهد ایمنی ضمنی کالا از عوامل اصلی توجیه حاکمیت حقوق قراردادهای بر مسئولیت مبتنی بر تولید شد.

۲. تحدید اصل آزادی قراردادهای

هر چند اصل آزادی قراردادهای از اصول بنیادی حقوق قراردادهای است، ولی با هدف توجیه مسئولیت تولیدکننده از چند نظر استناد به این اصل محدود شد. نخست از نظر شروط ضمنی، خصوصاً با ویژگی آمراهی که دادگاه‌ها برای آن توصیف کردند، چون چنین شروطی مورد مذاکره و توافق طرفین قرار نگرفته است، چندان با اصل آزادی سازگار نبود. دوم از نظر شروط سلب مسئولیت که چنین توافقاتی باطل و کان‌لم‌یکن شمرده شد. لذا بعضی معتقدند دکترین و رویه قضایی ناچار شدند از طریق تعدیل اصل آزادی قراردادی از رفاه عمومی و حقوق مصرف‌کننده حمایت کنند. بنابراین، اصل آزادی قراردادی به تدریج به دلایل گوناگونی مانند ضرورت رفاه عمومی و حمایت از مصرف‌کننده تعدیل شد (Tulibacka, 2009, p. 60) و وظایف قانونی آمراه و غیرقابل تعدیل که هرگز مورد مذاکره طرفین قرار نگرفته است (Hondius, 2004, p. 248) در قراردادهای ظاهر شد. این وظایف به تدریج در نیمه اول قرن بیستم در آمریکا و اروپای غربی بر مبنای ضعف مصرف‌کننده در معاملات بازار توجیه، و در نیمه دوم قرن بیستم

با ظهور جنبش حمایت از مصرف‌کننده، از آن حمایت بیشتری شد. لذا طرح ایده دولت رفاه و تقویت سیاست‌های حمایت از مصرف‌کننده بر اعمال اصل آزادی قراردادی فشار آورد (Tulibacka, 2009, p. 61). در نتیجه، به‌منظور احراز مسئولیت تولیدکننده، اصل آزادی قراردادها تا حدی محدود شد تا تولیدکننده نتواند در مواردی به آن استناد کند.

۳. عدول از اصل نسبی بودن قراردادها

اصل نسبی بودن قراردادها یکی دیگر از اصول بنیادین حقوق قراردادها است که حاکمیت حقوق قراردادها بر مسئولیت مبتنی بر تولید را با چالش مواجه ساخته، چون این اصل که متضمن محدودیت رابطه قراردادی در ابعاد افقی و عمودی است (Charman, 2007, p. 132)، محدود به آثار نیست و در مسئولیت قراردادی نیز مجری می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۲۳۸؛ جعفری‌تبار، ۱۳۷۵، ص ۲۷؛ Guest, 1995, p. 551; tritel, 1995, p. 364). لذا مشکل اساسی این است که احتمال دارد آسیب‌دیده طرف قرارداد نباشد و برای جبران خسارت مصرف‌کننده ثالث، ناچار باید از این اصل عدول شود.

۴. عدول از حاکمیت حقوق قراردادها

با وجود این تحولات، حقوق قراردادها نتوانست قواعد مناسبی برای مسئولیت مبتنی بر تولید باشد. لذا بعضی از سیستم‌های حقوق معاصر ناچار شدند از حاکمیت حقوق قراردادها عدول کنند، چون نخست اینکه حاکمیت حقوق قراردادها منوط به انعقاد قراردادی معتبر است، درحالی که ضروری است تولیدکننده قبل از انعقاد قرارداد وظایفی داشته باشد؛ برای مثال طبق ماده ۳ دستورالعمل اروپایی ۱۹۸۵م و اصلاحی ۱۹۹۹م، تولیدکننده وظیفه دارد فقط کالای سالم به بازار عرضه کند. دوم، حقوق قراردادها یک رژیم نتیجه‌نگر است؛ یعنی باید زمان اجرای قرارداد منقضی شود یا ناقص و غیرمنطبق اجرا شود تا به استناد تخلف متخلف بتوان مسئولیت او را مطرح کرد (امامی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۳۹؛ کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۶۴). درحالی که مسئولیت مبتنی بر تولید نیازمند قواعدی است که قبل از تخلف و حتی پیش از انعقاد قرارداد، وظایفی را برای تولیدکننده مقرر کند تا او را به تولید کالای سالم ملزم نماید. سوم، حقوق قراردادها از منافع قابل پیش‌بینی حمایت می‌کند و قابلیت پیش‌بینی ضرر (شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۷۹؛ کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۲۵۰) از شرایط مطالبه آن محسوب شده، ولی در مسئولیت مبتنی بر تولید اگر نبود سلامت قابل پیش‌بینی باشد، تولیدکننده باید ضمن فراخوان جمع‌آوری محصول از بازار، به تعمیر و اصلاح آن اقدام کند و نمی‌تواند کالا را علی‌رغم

پیش‌بینی خطر عرضه نماید؛ مگر خطری که ذاتی و غیرقابل رفع باشد، مانند داروها که عوارض جانبی ذاتی دارند که در این موارد نیز باید هشدار داد. بنابراین، خطر یا ضرر در مسئولیت مبتنی بر تولید باید غیرقابل پیش‌بینی باشد، چون در صورت قابلیت پیش‌بینی، وظیفه تولیدکننده رفع عیب یا هشدار دادن است؛ درحالی که مطابق حقوق قراردادهای، خطر یا آسیب باید قابل پیش‌بینی باشد. چهارم، اهداف حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید فراتر از جبران زیان مصرف‌کننده است که حقوق قراردادهای نمی‌توانست آن را محقق سازد.

به همین دلایل از حاکمیت حقوق قراردادهای بر مسئولیت مبتنی بر تولید عدول شده است؛ برای مثال، در اصلاحات ۲۰۱۶م حقوق تعهدات فرانسه، حقوق حاکم بر مسئولیت مبتنی بر تولید زیرمجموعه مسئولیت خارج از قرارداد محسوب شده و در ماده ۱۲۴۵ ق.م.ف. مقرر گردیده است: «تولیدکننده مسئول زیان ناشی از وجود عیب در محصول است ولو با قربانی رابطه الزام‌آور قراردادی نداشته باشد». بااین‌حال در حقوق ایران با وجود ظهور قوی قسمت اول ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در قواعد خارج از قرارداد، چون تمام عرضه‌کنندگان را مسئول سلامت محصول شمرده، در انتهای ماده، حق رجوع مصرف‌کننده به فروشنده جزء یا طرف قرارداد محدود شده، و خواسته او نیز به استرداد ثمن در صورت عین خارجی بودن مورد معامله و تعویض کالا در کلی در ذمه، منحصر شده که همان ضمانت اجرای مواد ۴۲۲، ۴۲۹ و ۴۳۷ قانون مدنی است. پس مطابق این ماده، حقوق قراردادهای حاکم بر مسئولیت تولیدکننده است و ضرورت دارد در آن تجدیدنظر شود، چون این قواعد با وجود تحولات زیاد آن در حقوق غرب، ناقص بوده و به تعبیر بعضی، بیشتر حامی منافع تولیدکننده و سرمایه‌دار است (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۱۴۲ و ۲۲)؛ خصوصاً اینکه عیب در ساختار کالا پیش‌بینی شده است که چنین ملاکی در محصول صنعتی قابل اعمال نیست (باریکلو، ۱۳۹۴، ص ۲۲۱). لذا حاکمیت حقوق قراردادهای نتوانست تمام ابعاد حقوقی موضوع را شامل شود و نیز فاقد ضمانت اجرایی کافی برای وادار کردن تولیدکننده به ارتقای کیفیت محصولات است.

قواعد غیرقراردادی

در نتیجه فقدان ظرفیت حقوق قراردادهای به پوشش تمام ابعاد مسئولیت مبتنی بر تولید، بیشتر سیستم‌های حقوقی به مسئولیت خارج از قرارداد با رویکرد حقوق خصوصی روی آورده‌اند. برای مثال، فصل چهارم قانون مدنی فرانسه با عنوان «تعهداتی که بدون توافق محقق می‌شود»، قسمت اول آن، مواد ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۱ به شبه قرارداد و قسمت دوم، مواد ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ به جرم و شبه جرم اختصاص یافته است که در ۱۹ می ۱۹۹۸ به ماده ۱۳۸۶ که مشابه ماده ۳۳۳ قانون مدنی ایران است، ۱۸ ماده به شماره ۱-۱۳۸۶ تا ۱۸-۱۳۸۶ تحت عنوان سرفصل

چهارم مکرر به قانون مدنی فرانسه اضافه شد و در سال ۲۰۰۴م نیز اصلاحاتی در آن صورت گرفت. در اصلاحات سال ۲۰۱۶ نیز مواد ۱۱۰۰ تا ۴-۱۳۰۳ با عنوان فصل سوم منابع تعهدات، به دو فصل فرعی، فصل فرعی اول، ماده ۱۱۰۱ تا ۷-۱۲۳۱، به قرارداد و فصل فرعی دوم، مواد ۱۲۴۰ تا ۱۷-۱۲۴۵، به مسئولیت خارج از قراردادی اختصاص یافته و ماده ۱۲۴۵ تا ۱۷-۱۲۴۵، به مسئولیت ناشی از عیب محصول تعلق گرفته است. در این اصلاحات، مسئولیت مبتنی بر تولید، مسئولیت خاص و مستقل از مسئولیت خارج از قرارداد کلاسیک توصیف شده است که به تحولات آن اشاره می‌شود.

مطابق این تحول، اکثر تعاریفی که در دکترین حقوقی از مسئولیت مبتنی بر تولید شده، بیشتر در مسئولیت غیرقراردادی ظاهر شده است. برای مثال، بعضی مسئولیت مبتنی بر تولید را به مسئولیت مربوط به آسیب‌های جسمی، زیان‌های مالی یا ضررهای تعبیر کرده‌اند که یک محصول معیوب هنگام مصرف سبب ورود آن شود (Reich and Micklitz, 1980, p. 93). این تعریف بیشتر بر جبران ضرر ناشی از مصرف کالای معیوب متمرکز شده که در مسئولیت غیرقراردادی ظهور یافته است.

در تعریف دیگری، مسئولیت ناشی از تولید به مسئولیت در قبال آسیب جسمی، زیان یا ضرر مالی غیر از زیان وارده به مال موضوع قرارداد که به علت تقلب در تولید کالا یا عیب آن به خریدار یا ثالث وارد شود، توصیف شده است (Howells and weatherill, 2005, p. 21) به نقل از (Tulibacka, 2009, p. 45). در این تعریف، بیشتر به استقلال مسئولیت مبتنی بر تولید از مسئولیت قراردادی توجه شده، چون زیان‌دیده، اعم از خریدار و مصرف‌کننده ثالث، و خسارت قابل مطالبه نیز به زبانی غیر از ضرر وارده به موضوع قرارداد اطلاق شده، چون جبران خسارت وارده بر موضوع قرارداد تابع قانون حاکم بر قرارداد است.

در عبارت دیگری مقرر شده است: «مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و دیگران، هنگامی است که آسیب یا زیان ناشی از محصولاتی باشد که استانداردهای صریح یا ضمنی در تولید آن رعایت نشده یا خطرناک و یا معیوب باشد» (Millerand Goldberg, 2004, p. 1) به نقل از (Tulibacka, 2009, p. 45). در این تعریف، منشأ مسئولیت از وجود عیب به عدم رعایت استانداردهای صریح و ضمنی تولید تعبیر شده، و در کنار تولیدکننده، دیگران نیز اضافه شده‌اند. این تعریف ابهام دارد، زیرا این شبهه را مطرح می‌سازد که مالک یا خریدار مال عامل خسارت با عنوان «دیگران» در قبال خسارت وارده به ثالث مسئول است.

بعضی آن را به‌عنوان مسئولیت نوعی مستقل یا در مسیر استقلال از تقصیر به سبب ورود ضرر تعبیر کرده‌اند که تحقق آن به وجود قرارداد مشروط نبوده، وقتی که منشأ زیان خصوصیات و کیفیت محصول باشد، اعم از اینکه ویژگی فی‌نفسه موجود باشد، مانند سمی

بودن مواد سمی، یا اینکه مربوط به ساخت بد، تولید بد، نظارت بد، دستور مصرف بد یا غفلت در نظارت بعدی محصول باشد (Tulibacka, 2009, p.65)، در این تعاریف به‌نوعی اشتغال به تولید و فقدان سلامت محصول از موجبات مسئولیت تولیدکننده به جبران خسارت قربانی شمرده شده است که حقوق غیر قراردادی برای حکومت بر این موضوع باید متحمل تحولاتی می‌شد. لذا به تحولات آن و موانع قضایی مطالبه خسارت اشاره می‌شود.

۱. عبور از مسئولیت مدنی کلاسیک

یکی از تحولات مسئولیت غیر قراردادی، عبور از مسئولیت مدنی کلاسیک بود، چون در حقوق غرب به دلیل داشتن رویکرد آزادی مطلق نسبت به رفتار انسانی، مسئولیت مدنی رفتار محور و مبتنی بر تقصیر شد و به‌نحوی رفتار نامطلوب شخص را موجب مسئولیت می‌شمردند. لذا بعضی معتقدند در دکترین اروپای مرکزی شناسایی مفهوم تقصیر در دو عنصر «رفتار غیرقانونی» یا نادرست که نوعی است و نیز «تقصیر شخصی» یعنی وضعیت فکری نادرست فرد در «لحظه پیش‌بینی و اراده» که عنصری ذهنی است، بررسی می‌شد. هرچند در حقوق معاصر به تقصیر شخصی چندان توجه نمی‌شود و به قول بعضی، فرض بر تقصیر خوانده است، چون در یک شرایط خاص به‌طور بایسته رفتار نکرده است (Tulibacka, 2009, p. 219).

پس، دو تئوری «روان‌شناختی» و «نرمی یا قاعده‌محوری» برای تشخیص تقصیر مطرح شد. بر اساس تئوری روان‌شناختی، عدم تناسب رفتار خواننده باید با توجه به وضعیت روانی او به رفتار و نتایج آن، ارزیابی شود. اما تئوری قاعده‌محور بر ارزیابی از دیدگاه بیرونی متمرکز است و حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید به‌روشنی متأثر از این رویکرد است. در نتیجه، با وجود اصرار بر لزوم تقصیر، به علت عدم امکان اثبات تقصیر شخصی، به تقصیر نوعی روی آوردند، چون تقصیر ویژگی رفتاری شخص حقیقی است، در حالی که بیشتر تولیدکنندگان اشخاص حقوقی هستند. بنابراین، به‌جای سرزنش به علت عدم دقت مناسب در طرح تولید یا به روش‌های دیگر سروکار داشتن با محصول، به عیب در محصول توجه شد. این فرایند نقطه مقابل تحول کلی معیار مسئولیت از رفتار به نتیجه است. به عبارت دیگر، از سرزنش بدرفتاری به خطر نوعی تمرکز یافته است (Koch and Koziol, 2002, p. 395).

با وجود این تحولات در مفهوم یا معیار تشخیص تقصیر، تقصیر اغلب نتوانست در مسئولیت مبتنی بر تولید نقش ایفا کند. لذا در بیشتر سیستم‌های حقوقی مسئولیت مبتنی بر تولید از مسئولیت مدنی کلاسیک مستقل شد. برای مثال، در ماده ۶ دستورالعمل اروپایی به لزوم اثبات عیب، زیان و رابطه سببیت از سوی قربانی تصریح شد و نیز در ماده ۸-۱۲۴۵ قانون مدنی فرانسه اصلاحی ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ مقرر گردید: «خواهان باید زیان، عیب و رابطه سببیت بین

عیب و زیان را ثابت کند». در این راستا بعضی عناوین مسئولیتی در ادبیات علمی مطرح شد که اصلی‌ترین آن، نظریهٔ مسئولیت محض است (Koziol and Steininger, 2009, p. 37). ولی مسئولیت مبتنی بر تولید اروپایی، مسئولیت محض نیست، چون برای تولیدکننده در شرایط خاصی دفاع پیش‌بینی شده است (Geoffrey, 2001, p. 456). در نتیجه، از یک طرف در مسئولیت مبتنی بر تولید، تقصیر نوعی قابل اثبات نبود، چون زیان دیده نمی‌توانست تقصیر تولیدکننده را از حیث فنی و تخصصی اثبات کند. همچنین مسئولیت شخصی به مسئولیت نوعی متحول شد تا اشخاص حقوقی در معرض مسئولیت باشند. لذا لزوم گرایش به حقوق غیرقراردادی مستقل مطرح شد تا به جای تقصیر، وضعیت محصول و شرایط آن بررسی شود. باین حال، قربانی در فرایند دادرسی مطالبه خسارت با موانعی مواجه می‌شد که لازم است به آن نیز اشاره شود.

۲. موانع حقوقی - قضایی

هرچند در بیشتر سیستم‌ها حمایت از مصرف‌کننده تحت حاکمیت قواعد مستقل قرار گرفت، اما از حیث حقوقی و قضایی با موانعی مواجه شد. از حیث حقوقی، قواعد حقوق خصوصی نمی‌تواند تمام ابعاد حقوقی مسئولیت مبتنی بر تولید را شامل شود و حتی نسبت به حمایت مؤثر از قربانی نیز نامناسب است تا چه رسد به اینکه بتواند سایر اهداف اصلی مانند حمایت از اقتصاد ملی را محقق سازد. از حیث قضایی نیز موانع اثباتی وجود دارد، چون خواهان باید فقدان سلامت، ضرر و رابطهٔ سببیت را اثبات کند. از این سه شرط، ضرر چون موضوع واقعی یا خارجی است، باید به طور مسلم احراز شود. فقدان سلامت منوط به این است که بین ضرر وارده و مصرف کالا رابطهٔ سببی اثبات شود که این موضوع خواهان را با چالش مواجه می‌سازد، چون در اروپا و امریکا رابطهٔ سببیت در دو مرحله بررسی می‌شود: نخست بررسی واقعیات یا به تعبیری سبب واقعی، و دوم سببی که به‌عنوان محدودکنندهٔ سببیت مطرح شده که مستلزم بررسی موضوعاتی مانند مجاورت، کفایت سبب، مستقیم بودن و قابلیت پیش‌بینی آسیب است (Koziol, 2015, p. 813).

در بیشتر سیستم‌ها به معیار سببیت واقعی تمرکز شده و به کفایت یا معمولی بودن رابطهٔ سببیت (سبب متعارف) فقط در مواردی توجه می‌شود که از میان عوامل متعدد، کدام به اقتضای واقع و مجاورت، انصاف یا عدالت را تأمین می‌کنند. سبب واقعی به اصل *conditio sine qua non* متمرکز است که در سیستم کامن‌لا به «فقط به جهت آن»^۱ اطلاق شده است. این معیار بر اثبات

1. But for.

این موضوع تمرکز دارد که آیا در صورت فقدان حادثه مورد بحث، زیان واقع می‌شد. در پرونده‌های ساده، جواب مثبت به معنای نبود رابطه سببیت است، اما بیشتر پرونده‌های پیچیده ممکن است درگیر وضعیت‌هایی باشند که خواهان از شانس محروم شده یا مواردی که اسباب احتمالی مشارکت در ایراد ضرر داشته باشند. در این نوع پرونده، دادگاه‌ها، مطابق اهداف سیاسی و نیز تفسیری که از انصاف و عدالت دارند، فنون متنوعی را به کار می‌برند تا به راه‌حلی برسند (Vand, 2006, p. 269). برای مثال دادگاه‌های انگلیسی با استفاده از لسان عدالت و انصاف با تأکید بر مشارکت در ریسک یا صدمه یا توسعه مفهوم از دست دادن فرصت معیار «فقط به جهت آن» را تعدیل کرده‌اند (Tulibacka, 2009, p. 85)؛ لذا مرحله دوم بررسی رابطه سببیت، موجب مضیق شدن دایره حوادثی می‌شود که از دیدگاه قانونی به‌عنوان سبب محسوب شده است (cane, 2006, p. 125). هر چند استدلال شده است که این مرحله نباید به‌عنوان رابطه سببیت بلکه باید به‌عنوان پاسخ‌گویی یا قلمرو مسئولیت اطلاق شود (stapleton, 2003, p.388) که در اصول مسئولیت مدنی اروپایی نیز با این عنوان مطرح شده است.

به‌هر حال، مشکل بار اثبات عیب و رابطه سببیت است که برعهده خواهان گذاشته شده، زیرا محصول از حیث فنی ممکن است پیچیده باشد و استفاده از نظر کارشناسی برای خواهان نیز هزینه داشته باشد (Sterrett, 2015, p. 901). لذا اثبات دو شرط رابطه سببیت و فقدان سلامت کالا با چالش مواجه است. به همین دلیل برای احراز رابطه سببیت معیارهای گوناگونی مطرح شده است؛ برای مثال، نویسندگان اروپایی تحت تأثیر دو نظریه تساوی سبب و کفایت رابطه سببیت، معیار احراز رابطه سببیت را که از سوی دادگاه‌ها باید اعمال شود، توسعه داده‌اند (Wagner, 1974, p. 155; Hradek, 2004, p. 95). به‌طور موردی از تولیدکننده می‌خواهند که سلامت محصول را اثبات کند، و در بلژیک به قضات اجازه داده شده است رابطه سببیت را حدس بزنند یا استنباط کنند (Sterrett, 2015, p. 901). در حقوق ایران نیز بعضی (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۱۵۵؛ صفایی و شعبانی، ۱۳۹۴، ص ۴۸) قاعده تسبیب را مستند مسئولیت تولیدکننده دانسته، معتقدند چون تولیدکننده کالای خطرناکی به بازار عرضه کرده است، دست واسطه‌ها رابطه سببیت او را قطع نمی‌کند؛ لذا به استناد قاعده تسبیب و ماده ۳۳۱ ق.م. مسئول جبران خسارت مصرف‌کننده است (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۳۸). اما باید توجه داشت که مراد از تسبیب در ادبیات فقهی، دخالت غیرمستقیم در ایراد ضرر است که برای اثبات مسئولیت ناشی از آن، اثبات رابطه سببیت لازم است که در موضوع بحث چون مصرف‌کننده فاعل مختار است و احتمال خطر و آسیب نیز وجود دارد، اثبات آن با مانع قضایی مواجه است. افزون بر این، ضمان تولیدکننده در قبال مصرف‌کننده، از موارد اجتماع سبب و مباشر است؛ یعنی تولیدکننده به‌عنوان مسبب، و

مصرف کننده به عنوان مباشر دخالت کرده، مطابق نظریات فقهی مسبب به شرطی ضامن است که اقوی از مباشر باشد، به طوری که مباشر ابزار محسوب شود (فخر المحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۱۹۱). پس نمی توان به استناد قاعده تسبیب، مسئولیت تولیدکننده را اثبات کرد، چون مصرف کننده با تصرف و استعمال محصول، مباشر وقوع ضرر است؛ همان گونه که در مثال سنتی نیز اگر عابر متوجه چاه شود و در آن سقوط کند، حفرکننده ضامن نیست. هرچند بعضی نحوه مداخله یا تسبیب و مباشرت را مهم ندانسته و اصل موضوع را استناد ضرر به تولیدکننده مسبب یا مصرف کننده مباشر توصیف کرده اند و معتقدند نحوه دخالت مهم نیست که اگر مباشر باشد، اتلاف، و اگر غیرمباشر باشد، تسبیب است، بلکه تمام موضوع استناد ضرر به ضامن است (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹ق، ج ۲، ص ۱۴۸). در ماده ۵۲۶ ق.م.ا. نیز بر استناد تمرکز، و حتی مطابق این معیار جمع بین مسئولیت مسبب و مباشر پذیرفته شده است. لذا بعضی به استناد این ماده مسئولیت مباشر و مسبب را مساوی شمرده، معتقدند هرکدام باید نصف خسارت قربانی را جبران نمایند (امینی و عنایت تبار، ۱۳۹۷، ص ۴۶۰). اما به استناد این تحول نیز نمی توان مسئولیت تولیدکننده را مطابق قاعده تسبیب احراز کرد، چون تمام زیان به او مستند نمی شود تا ضامن جبران آن گردد.

در حقوق اروپایی برای احراز فقدان سلامت، در چپستی آن، تصرف، و فقدان امنیت کالا نسبت به جسم یا مال از دیدگاه شخص متعارف عیب محسوب شده است؛ برای مثال در ماده ۳-۱۲۴۵ قانون مدنی فرانسه اصلاحی ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ مقرر شده است: «از منظر این قانون محصول زمانی معیوب است که سلامت و امنیت مورد توقع مشروع یک شخص را فراهم نکند»؛ لذا عیب از مفهوم سنتی، آن چیزی که خلاف طبیعت شیء باشد، متحول شده، آن گونه نیست که در بند ۴ ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف کننده مقرر شده است. منظور از عیب در این قانون زیاده یا نقیصه یا تغییر حالتی است که موجب کاهش اقتصادی کالا یا خدمات شود. این تعریف که از ساختار کمی یا کیفی کالای طبیعی برگرفته شده است، در محصولات صنعتی جایگاهی ندارد؛ برای مثال در اکثر خودروهایی تولیدی هیچ زیاده و نقیصه ساختاری وجود ندارد و نیز دارای قیمت بالایی است، ولی به اعتراف خودروساز فاقد امنیت است. از این رو در محصول صنعتی، عیب از منظر شخص متعارف با تکیه بر سه نکته احراز می شود: نخست اینکه کالا باید از حیث امنیت توقع مشروع شخص متعارف را فراهم کند. دوم، برای مصرفی که به بازار عرضه شده است، مفید و مؤثر باشد؛ مثلاً داروی سرماخوردگی رفع سرماخوردگی کند. سوم، اگر محصولی به ضرورت علمی عوارضی دارد، مانند داروهای مسکن، یا به ضرورت اجتماعی برای سلامتی مضر است، مانند سیگار، باید به مصرف کننده هشدار داده شود. لذا بعضی معتقدند در صورت عدم هشدار کافی، کالا ناسالم توصیف می شود (Goodden, 2009, p.

۹۵). به هر حال، این تحول فقدان سلامت را از واقعیت به تشخیص نظری تبدیل کرد که با رویکرد جانب‌دارانه محاکم از مصرف‌کننده احراز می‌شود. ولی با وجود این تحولات، حقوق غیرقراردادی نتوانست تمام اهداف موردنظر را تأمین کند که به آن نیز اشاره می‌شود.

۳. عدم تأمین اهداف اصلی

هر چند به منظور الزام تولیدکننده به جبران زیان ناشی از مصرف، قواعد مستقلی شکل گرفت، ولی در تأمین بعضی از اهداف اصلی حقوقی مسئولیت مبتنی بر تولید، مانند بالا بردن کیفیت محصول در جهت حمایت از اقتصاد ملی در رقابت با کالای مشابه خارجی و نیز حق دسترسی مشتری به کالای سالم، این قواعد نتوانست کارایی لازم را داشته باشد، چون ورود ضرر شرط استناد به این قواعد است (باریکلو، ۱۳۹۳، ص ۶۸)؛ پس عملاً این قواعد فقط ظرفیت حمایت از جبران ضرر زیان‌دیده را دارد، چون رواج بیمه مسئولیت موجب کاهش تأثیر بازدارندگی آن شده است.

بنابراین، با وجود گرایش به حاکمیت قواعد غیرقراردادی مستقل در حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید، این قواعد فقط از حق جبران خسارت مصرف‌کننده حمایت می‌کند و نمی‌تواند از حق دسترسی مصرف‌کننده به کالای سالم و منافع اقتصاد ملی حمایت کند، زیرا ورود آسیب شرط استناد به این قواعد است؛ در حالی که در مسئولیت مبتنی بر تولید، پیشگیری از آسیب به وسیله بالا بردن کیفیت کالا و خدمات از جبران زیان مهم‌تر است. لذا حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید را باید در خارج از قواعد حقوق خصوصی اعم از قراردادی و غیرقراردادی ساختارسازی کرد. هر چند در موارد ورود ضرر ناشی از مصرف، مطالبه جبران خسارت از سوی زیان‌دیده به استناد این قواعد قابل حمایت است.

حقوق بازار

برای تحقق اهداف اقتصادی و نیز حمایت مؤثر از مصرف‌کننده باید به حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید در ساختار حقوق بازار توجه شود، چون قواعد حمایتی حقوق خصوصی، اعم از قراردادی و غیرقراردادی، نتیجه‌نگر است و تمام وظایف ناشی از تولید را شامل نمی‌شود. امروزه بشر با انگیزه کسب سود بیشتر، در فرایند تولید تمام محصولات از طریق توسعه فناوری دخالت می‌کند. از منظر اقتصادی تحقق سود بیشتر از سویی در گرو فروش بیشتر و قیمت بالاتر است که این تابع قانون عرضه و تقاضا و انحصاری یا رقابتی بودن بازار است و از سوی دیگر، در گرو کاهش هزینه‌های تولید است و احتمال دارد از طریق کاهش کیفیت تأمین شود. لذا برای تعدیل این رویکرد سیستم‌های حقوقی ناچار به تعیین وظایفی برای تولید و ارائه محصولات و

خدمات شدند تا به مصرف‌کننده و اموال آنان آسیب وارد نشود و نیاز آنان مطابق انتظارات متعارف برآورده گردد. هرچند بعضی در حوزه قرارداد خدمات معتقدند این وظایف نه در جهت حمایت از طرف ضعیف، بلکه در راستای تقویت امنیت و ثبات قرارداد مقرر شد (خورسندیان و امیری، ۱۳۹۷، ص ۱۰۹)، ولی این مقررات در ساختار حقوق بازار قرار گرفته و فراتر از تقویت امنیت قراردادی صرف است که به تئوری نظری و تحولات آن اشاره می‌شود.

۱. تئوری نظری

هرچند مکتب اقتصاد معاصر سرمایه‌داری و لیبرال است که بر میزان عرضه و تقاضا اصرار دارد، اما نداشتن علم و اطلاعات کافی از سوی مشتری که طرف تقاضا است، اساسی‌ترین توجیهی است که دولت‌ها را به بهانه تأمین عدالت به دخالت در مدیریت حقوقی بازار ناگزیر کرده است. برای مثال رویکرد جامعه اروپا به مصرف‌کننده به‌عنوان شریک بازاری است که از نبود اطلاعات کالا و خدمات رنج می‌برد (Tulibacka, 2009, p. 98). لذا در اروپای غربی دولت‌های رفاه حامی مصرف‌کننده و در اروپای شرقی عقیده‌های سوسیالیستی بیشترین نفوذ را در طرح اصلی ساختار حقوق بازار داشتند که از سال ۱۹۸۰م به‌تدریج اروپای شرقی نیز مجذوب رویکرد رفاه و حامی مصرف‌کننده شد (Tulibacka, 2009, p. 55). محصولات و خدمات قابل عرضه چون از سوی شرکت‌های قدرتمند و بزرگ به‌طور پیچیده و انبوه تولید می‌شد که بر بازار مسلط بودند، چنین محصولاتی ظرفیت اضرار فراتر از خریدار، خانواده و دوستان و حتی به تماشاجی صرف داشت. پس عنوان سنتی خریدار مصرف‌کننده که ریشه در حقوق قراردادها داشت، در حوزه مسئولیت مبتنی بر تولید مفید نبود. لذا از طرفی اشخاص وسیعی با عنوان مصرف‌کننده منظور شدند که فاقد اطلاعات حرفه‌ای از محصول بودند. از طرف دیگر، زنجیره توزیع در قبال قربانی محصول نهایی اعم از تولیدکننده، کلی فروش و خرده‌فروش مسئول شمرده شدند. در این اوضاع و احوال، دادگاه‌ها تأسیس رژیم مسئولیت مبتنی بر تولید را آغاز کردند. با گذشت زمان، تغییرات اساسی اجتماعی و سیاسی و تکنولوژیکی اروپا، رشد درآمدها و بالا رفتن سطح زندگی از یک طرف، مردم را به استفاده از کالا و خدمات متنوع پیشرفته قادر ساخت و از طرف دیگر، موجب بروز فاصله طبقاتی از حیث وضعیت اقتصادی و اجتماعی شد. لذا دسترسی به عدالت تبدیل به مطالبات اجتماعی گردید که در سیاست‌های حقوقی اروپایی نقش زیادی را بازی کرد (Tulibacka, 2009, p. 110). به این دلیل بعضی، مسئولیت مبتنی بر تولید را این‌گونه توصیف کرده‌اند: نوعی از پاسخ‌گویی که به علت زیان وارده، قانون بر کسانی که در تولید و تهیه محصول دخالت داشته‌اند، تحمیل نموده است (Stapleton, 1994, p. 3).

هرچند این توجیهات برای عادلانه جلوه دادن دخالت دولت در بازار و اقتصاد لیبرال که

معیار اصلی آن عرضه و تقاضا بود مطرح شد، اما در روند تکمیل حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید، بر سلامت محصول برای تقویت بنیان اقتصادی کشور بیشتر تمرکز گردید، چون رویکرد صرف حمایت از مصرف‌کننده با اهداف حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید سازگاری ندارد، زیرا نخست اینکه از مصرف‌کننده در آخرین مرحله حمایت می‌کند، درحالی که در این حقوق باید به هدف بازدارندگی و الزامی شدن استانداردهای فرایند تولید بیشتر از هدف جبران توجه شود. دوم، واقعیت این است که صرف نظر از قدرت یا ضعف اطلاعاتی مصرف‌کننده، جهانی‌شدن اقتصاد از یک سو و تأثیر غیرقابل انکار قدرت اقتصادی بر توان حاکمیت سیاسی از سوی دیگر، دولت‌ها را به استانداردسازی فرایند تولید و تنظیم بازار وادار کرد. از این حیث حقوق بازار به‌عنوان مناسب‌ترین رژیم حقوقی حاکم بر مسئولیت مبتنی بر تولید مطرح شد؛ لذا ملاحظات بازاری نقش بیشتری را در تشکیل حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید بازی کرده است. به همین دلیل، حقوق قراردادهای که حاکم بر رابطه طرفینی بود، جای خود را به حقوق مسئولیت مدنی داد که در قلمرو، بسیار گسترده‌تر و عملاً مناسب‌تر برای شرایط بازار مدرن بود. اما حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید که امروزه شناسایی شده است، هرچند بر اساس قواعد مسئولیت مدنی شکل گرفت، ولی ویژگی اصلی و متفاوت آن در گرایش حمایت از منافع اقتصاد ملی و حقوق مصرف‌کننده متمایز است؛ درحالی که حقوق مسئولیت مدنی به‌طور مستقیم از حق جبران خسارت مصرف‌کننده حمایت می‌کند و اگر غرامت پرداختی از سوی تولیدکننده بیشتر از منافع حاصله بود، می‌توانست نقش بازدارندگی نیز داشته باشد.

لذا سیاست حمایت از مصرف‌کننده در پرتو حمایت از منافع اقتصاد ملی، با رویکردی کامل و جامع به‌منظور تنظیم بازار با مقررات دارای روح رقابتی از یک طرف و حمایت بیشتر از مصرف‌کننده و دسترسی آنان به عدالت از طرف دیگر، به تحول در نقش و ماهیت حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید منجر شد. این تحولات در اروپای مرکزی در دو موضوع جداگانه، نخست پیوند حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید و حمایت از مصرف‌کننده، و دوم برتری یا عدم رجحان منافع مصرف‌کننده بر حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید شروع به رشد کرد (Tulibacka, 2009, p. 95).

دادگاه‌ها این تحولات را در پرونده‌های مسئولیت مبتنی بر تولید مورد توجه قرار دادند تا توازن بازار در دل حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید فراهم شده، ریسک در ذات خودش توزیع گردد و درنهایت تصمیم‌گیری شود این خطرها باید درونی، یعنی از جانب تولیدکننده یا توزیع‌کننده و یا بیرونی، یعنی از سوی مصرف‌کننده تحمل شود. و نیز چرا و تا چه حد ریسک کالا و محصول باید درونی شود؟ از این رو بعضی معتقدند حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید، پاسخ‌گویی برای محصولاتی است که به شیوه تجاری تهیه شده‌اند (Stapleton, 1994, p. 7). به‌هرحال توسعه در حقوق بازار مدرن و پیدایش حقوق مصرف، ساختار حقوقی سنتی را طوری

با چالش مواجه کرد که در پرونده‌های مسئولیت مبتنی بر تولید به پیدایش سیستم حقوق مستقل منجر شد.

۲. ظهور وظایف ناشی از تولید در ساختار حقوق بازار

پس از پیدایش حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید در اروپای غربی و مرکزی، تئوری‌های گوناگونی دربارهٔ مسئولیت اشخاص تجاری حرفه‌ای که باید ریسک خسارت ناشی از محصولات معیوب تولیدی - توزیعی را تحمل کنند و نیز چرایی آن مطرح شد که در تئوری‌های اقتصادی در نوشته‌های پراسر یا پاسنر از استدلال کمترین هزینهٔ بازدارندگی و تئوری‌های غیراقتصادی مسئولیت از نظریهٔ عدالت اصلاحی ارسطو استفاده شد که در ایالت متحده توجه عمومی را به خود جلب کرد (Stapleton, 1994, p. 174). مسئولیت اشخاص حقوقی نیز با عنوان ریسک‌پذیری به‌منظور رسیدن به منافع مالی به‌عنوان مبنای وظایف مبتنی بر تولید قلمداد شد (Stapleton, 1994, p. 186). در نتیجه دو معیار و استاندارد، یکی تئوری قاعده‌مندی و اصولی که بر اصلاح کارایی بیشتر اقتصادی متمرکز است و دیگری تئوری اثبات‌گرایی که تلاش بر فهم بهتر قواعد موجود اعم از قانونی و قضایی دارد، برای تئوری اقتصادی مسئولیت مبتنی بر تولید مطرح شد (Tulibacka, 2009, p. 113)؛ لذا حقوق مصرف‌زیرمجموعه یا قسمتی از حقوق اقتصادی یا حقوق بازار محسوب شد.

در این راستا کمیسیون اروپایی به‌منظور تأمین سطح بالای سلامتی مصرف‌کننده و منافع اقتصادی، طرحی متضمن چهار عنصر اصلی، فهم بهتر مصرف‌کننده و بازار از طریق تحقیق و جستجو، فهم مقررات حمایتی بهتر مصرف‌کننده با تعیین اولویت‌ها، و دخالت مصرف‌کننده در تدوین مقررات، و توسعهٔ تجدیدنظر در تبریئهٔ مصرف‌کننده و اجرای بهتر شفافیت و جبران و به‌سازی اطلاعات و معلومات مصرف‌کننده را به جامعهٔ اروپایی پیشنهاد داد و به هدف تدوین مقررات بهتر به‌طور گسترده در سطح اتحادیهٔ اروپا و ملی، قانون‌گذاران به تدوین قانون با در نظر گرفتن راه‌حل‌های دارای بیشترین کارایی وادار شوند. این هدف به ماورای قواعد مسئولیت مدنی سرایت کرد و موجب رشد مجموعه‌ای از قواعد و مقرراتی شد که ساختار حقوق بازار را تشکیل داد. برای مثال، در ۳ دسامبر ۲۰۰۱ دستورالعمل سلامت تمام محصول (GPSD) به‌منظور یکسان‌سازی دیدگاه کشورهای عضو نسبت به عرضهٔ محصول سالم به بازار یا تنظیم نحوهٔ عرضهٔ کالای سالم بازننگری و اصلاح شد و برای کارآمد کردن سیستم راپکس (RAPEX) (مبادلهٔ سریع اطلاعات)^۱ که در سال ۱۹۹۲م نیز پیش‌بینی شده بود، تعهدات قطعی و منجزی برای فعالان

1. Rapid Exchange of Information System.

اقتصادی و مقامات ناظر بازار مقرر شد تا بسیاری از مشکلات ناشی از عدم کارایی سیستم راپکس برطرف شود. در این راستا، افزون بر اینکه در ماده ۲، محصول سالم معرفی و در ماده ۵ به لزوم هشدار به خطر ذاتی آن تصریح شد، حتی به استناد بند ۱ ماده ۸ باید برچسب هشدار به زبان رسمی بازار در محل عرضه کالا نصب می‌شد. در ماده ۹، دولت‌های عضو ملزم به تأمین منابع برای نظارت مؤثر بر بازار شدند و در بند ۴ ماده ۱۲ دسترسی باز به سیستم راپکس برای کلیه کشورهای عضو و غیرعضو و حتی سازمان‌های بین‌المللی میسر شد، به طوری که کمیسیون اروپایی و کمیسیون محصول سالم مصرف‌کننده آمریکایی در مورد خطر احتمالی محصولات به‌طور منظم مبادله اطلاعات می‌کنند. همچنین برای فعالان اقتصادی متخلف از مقررات، دستورالعمل مجازات مقرر شد؛ برای نمونه متخلفان در انگلستان تا ۲۰۰۰ پوند یا ۱۲ ماه حبس، در جمهوری چک تا ۵۰ میلیون کرونا یا ۵ سال حبس و یا ممنوعیت فعالیت تولیدی، و در سوئد ۵۰ تا ۵ میلیون کرون و ممنوعیت صادرات مواجه شدند (Sterrett, 2015, p. 917). تمام این اصلاحات و تعیین وظایف هرچند با عنوان حمایت از مصرف‌کننده بوده، ولی در ساختار حقوق بازار، فراتر از یک رابطه قراردادی یا غیرقراردادی به‌منظور الزامی کردن عرضه محصول سالم و تقویت نهاد نظارت بازاری برای جلوگیری از تخلف احتمالی و جرمه متخلف بالفعل انجام شد. رویکرد اروپایی به تقویت بازار رویکردی مبدأمحور است، نه مقصدنگر؛ به این معنا که برخلاف رویکرد حقوق ایران و آمریکا که بر بازار مقصد و محل عرضه متمرکز شده، حقوق اروپایی بر مبدأ تولید یعنی کارخانه و در کالای وارداتی بر مرز و واردکننده توجه کرده است. لذا در ۱۳ ژانویه ۲۰۱۳، کمیسیون اروپایی دو طرح اصلاحی با عنوان GPSR^۱ و MSPR^۲ عرضه کرد که ۱۷ اکتبر ۲۰۱۳ به تصویب پارلمان اروپا رسید و از ۲۰۱۵ م اجرایی شد.

مجموعه مقررات GPSR به تعهدات و وظایف فعالان اقتصادی اختصاص یافته است تا قدرت مانور و تفسیر متفاوت را از آنان سلب کند. لذا برای شفاف شدن وظایف، نخست اینکه محصولاتی مانند دارو، غذا و... که مقررات و استانداردهای تولیدی خاص دارند از شمول مقررات عام، خارج و تابع همان مقررات خاص می‌شود تا به تعبیر اصولی عام متأخر، ناسخ خاص متقدم تلقی نشود. چون مقررات خاص متضمن استاندارد سختگیرانه‌تری نسبت به کیفیت محصول است و این از سویی موجب تأمین بهتر سلامت کالا، و از سوی دیگر، مانع فرار فعال اقتصادی با استناد به مقررات عام از ایفای وظایف خود می‌شود.

دوم، برابر بند ۶ ماده ۸ باید بر تمام محصولات برچسب شماره سریال مبدأ نصب شود و اگر محصولی به‌گونه‌ای خرد و کوچک است که قابل نصب برچسب نباشد، باید در جعبه یا بسته

1. General Product Safety Regulation.
2. Market Surveillance of Products Regulation.

عرضه شود تا شماره سریال بر آن نصب گردد. همچنین طبق بند ۳ ماده ۱۰، تولیدکننده یا واردکننده باید علامت تجاری یا نام تجاری، آدرس تماس و نقطه تماس را معین کند. در ماده ۱۸ نیز دولت‌های عضو موظف به اعمال جریمه و مجازات بر متخلفان از این مقررات شده‌اند. نوآوری‌های بسته GPSR در مرحله اول نظارت بر بازار را شفاف و قابل کنترل برای مقامات ناظر بازار و در مرحله بعد به نحو مطلوبی در ساختار حقوق بازار از مصرف‌کننده در دسترسی به کالای سالم حمایت می‌کند.

در طرح MSPR مقررات نظارت بر بازار دستورالعمل سلامت کل محصول (GPSD) با مقررات (Regulation) شماره 765/2008، ادغام و برای مقامات ناظر بازار الزاماتی یکسان تدوین شد. هدف از MSPR ایجاد ساختار حقوقی منسجم برای نظارت بر بازار است. لذا از کشورهای عضو تشکیل نهاد نظارت بر بازار و تخصیص منابع لازم به آن مطالبه شده تا وظایف ناظران بازاری به‌طور مناسب انجام شود. این وظایف که شامل واریسی محصول، استنادسازی، تست آزمایشگاهی، آگاه‌سازی مصرف‌کننده از ریسک احتمالی، رسیدگی به شکایت مصرف‌کننده، تأیید اقدامات اصلاحی و تعمیراتی تولیدکننده، و تهیه لیست سیاه از تولیدکننده متخلف سابقه‌دار است، باید به‌طور منظم انجام شود. به‌رحال، با اجرایی شدن این دو طرح، آنچه در عمل واقع شده، تشکیل حقوق بازار است که تعهدات ناشی از آن فراتر از تعهدات قراردادی و مسئولیت مدنی کلاسیک است.

۳. ضرورت تحول در حقوق ایران

در حقوق موضوعه ایران به قواعد حقوق بازار چندان توجهی نشده و در بعضی موارد مانند «قانون مواد خوراکی آشامیدنی و بهداشتی» مصوب ۱۳۴۶ش اصلاحی ۱۳۵۳ش، یا «قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی» مصوب ۱۳۳۴ش اصلاحی ۱۳۷۹ش، و ماده ۸ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان فقط از منظر کیفری جرم‌انگاری شده که چندان کارساز نیست؛ برای مثال در ماده ۸ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مقرر شده است: «هرگونه تبانی و تحمیل شرایط از سوی عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، که موجب کاهش عرضه یا پایین آوردن کیفیت، یا افزایش قیمت شود، جرم محسوب می‌شود». در عمل نیز بیشترین وقت دولت‌ها در اجرای وظیفه تنظیم بازار به ایجاد توازن عرضه و تقاضای محصول محدود شده و از سلامت محصول و نیز قیمت منطقی آن نسبت به کیفیت و هزینه‌های تولید غفلت شده که کیفیت خودروی تولید داخل نسبت به کیفیت و قیمت خودروی تولید خارج گواه بر این ادعا است. از حیث قیمت نیز تلاش بر کنترل افزایش قیمت طبق خواسته تولیدکننده انجام شده است، نه قیمت‌گذاری منطقی که با توجه به هزینه تولید کالا همراه با سود منطقی و منصفانه

آن باشد. اما با وجود این، اصول و قواعد کلی حقوق اسلامی این ظرفیت را دارد که قواعد مسئولیت مبتنی بر تولید را مناسب‌تر در ساختار حقوق بازار تدوین کند، زیرا دیدگاه حقوق معاصر انسان را آزاد و فارغ از هرگونه وابستگی اخلاقی توصیف می‌کند؛ درحالی که در حقوق اسلامی انسان مقید به اخلاق و فضایل انسانی می‌شود و این رویکرد، مقررات حقوقی را کارا تر می‌سازد، چون تنها اهرم حقوق معاصر، فشار اقتصادی است که در قالب انواع مسئولیت‌ها و وظایف بر تولیدکننده اعمال می‌شود، اما در حقوق اسلامی می‌توان از اهرم‌های اخلاقی نیز در کنار اهرم‌های حقوقی استفاده کرد که به آن اشاره می‌شود.

مطابق ادله، اصول ساختاری حقوق بازار، اعم از زیربنایی و روبنایی، متکفل ایجاد توازن بین شرکای بازار یا تولید و مصرف است. مراد از اصل زیربنایی، اصولی است که اعتبار و اعتماد به بازار را از طریق وظایف تولیدکننده تأمین می‌کند. اما اصول روبنایی اصولی است که هدف آن جلب اعتماد مشتری به بازار است. در اصول زیربنایی از دو بُعد نظری و عملی حمایت شده است. از حیث نظری، در روایات زیادی هرگونه تقلب و ناخالصی در عرضه کالا حرام و ممنوع اعلام شده است؛ برای مثال در موارد زیادی آمده است که کسی که به مسلمانی تقلب کند، مسلمان نیست (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۶۰؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۲). همچنین رسول خدا (ص) به خرما فروشی خطاب کرد: آیا می‌دانی کسی که به مسلمانان تقلب و غش کند، از آنان محسوب نمی‌شود (طوسی، همان) و خلط آب با شیر به هدف فروش به‌عنوان شیر ممنوع شده است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۳). یا در روایاتی عطر فروش (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۲۸۱) و آرد فروش (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۶۰) از تقلب و غش منع شده‌اند و به آن‌ها هشدار داده شده است. همچنین امام رضا از پدرانشان و آنان از پیامبر خدا روایت کرده‌اند که از ما نیست کسی که تقلب یا ضرر یا مکر و حيله‌ای را نسبت به مسلمانی اعمال کند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۲۸۴). از این ادله استفاده می‌شود که کالای تولیدی باید از کیفیت مناسبی برخوردار باشد، چون تولید کالای بی‌کیفیت بر هر سه عنوان یادشده در این روایت صادق است. با دقت در این ادله که ناظر بر فرایند تولید است روشن می‌شود که کالای تولیدی باید کیفیت مورد انتظار مردم را داشته باشد، زیرا برای مثال، بین خلط آرد یا آب با شیر یا عطریات، و بین کاهش ماده اصلی و مؤثر در دارو که بعضی از داروهای ساخت داخلی از حیث کیفیت با مشابه خارجی آن قابل مقایسه نیست، تفاوتی وجود ندارد چون هر دو ناظر بر کاهش کیفیت در کالا است. لذا این‌گونه اعمال نامشروع و درآمد ناشی از آن قابل حمایت نیست. اگر سیاست‌گذاران بخش تولید موفق می‌شدند فعالان بخش تولید را از واقعیت کارشان آگاه کنند، بیشتر آنان از تولید کالای بی‌کیفیت خودداری می‌کردند و محصول داخلی چنین وضعی نداشت که قابل عرضه در بازار جهانی نباشد و با وجود حاکمیت انحصار در بازار داخلی، برای

فروش آن مشوق‌هایی مانند اعطای وام در نظر گرفته شود. اما متأسفانه در این باره کوتاهی شد، به طوری که فرض مشتری در بازار بر این قرار گرفته که محصول داخلی فاقد سلامت است. به هر حال، یکی از راهکارهای جلب اعتماد به بازار، نامشروع‌انگاری ثقل است که باید با تدوین استانداردهای کیفیت تولید، تولیدکننده ملزم به رعایت آن شود و دولت نیز بر فرایند آن نظارت کند و مانع تخلف احتمالی گردد.

همچنین تولیدکننده ضامن جبران خسارت احتمالی محسوب شده، نقش مهمی در حمایت از اصول زیربنایی دارد؛ برای مثال در روایت آمده است که امیرالمؤمنین صنعتگران را ضامن قلمداد می‌کرد تا نسبت به حق مردم احتیاط کنند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۱۴۲) یا در روایتی از امام رضا پرسیدند: آیا صنعتگران ضامن‌اند، حضرت فرمود: [امور] اصلاح نمی‌شود مگر این که ضامن محسوب شوند (همان، ص ۱۴۳). در روایت دیگر، ضامن شمردن صنعتگران به لزوم احتیاط در اموال مردم توجیه شده است (همان، ص ۱۴۵)؛ حتی ضامن تولیدکننده به عنوان یک قاعده کلی مطرح شده که به هر کس مزدی داده شود که اصلاح کند، ولی خراب نماید، ضامن است (همان). بنابراین، در سیاست‌گذاری باید به ضامن تولیدکننده توجه جدی شود تا برای اجتناب از هزینه‌های ناشی از ضامن، به فکر ارتقای کیفیت محصول باشد؛ همان‌گونه که اروپا از طریق کنترل کیفیت تولید، موفق به حمایت از مصرف‌کننده، حمایت از محیط زیست و نیز منافع اقتصادی شده است.

علاوه بر تولید سالم باید عرضه کالا نیز بدون تقلب باشد، چون کم‌فروشی در کیل و وزن به تصریح قرآن کریم حرام است (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۴۸) و حتی علت هلاکت قوم شعیب و نزول عذاب الهی بر آنان، کم‌فروشی توصیف شده است. همچنین حرام است (همان، ص ۱۷۹) کالا طوری بسته‌بندی شود که درجه عالی آن در دید مشتری باشد و درجه پست آن مخفی شود، چون امام باقر (ع) فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله در بازار مدینه بر غذافروشی عبور کرد و به فروشنده فرمود من طعام تو را نمی‌بینم مگر پاکیزه و مرغوب، بعد از قیمت آن پرسید. خداوند متعال به ایشان وحی کرد که دستشان را در مواد خوراکی فرو برند و آن را برهم زنند. ایشان مواد غذایی را به هم زدند و مواد دانی و پست ظاهر شد. حضرت فرمود من تو را نمی‌بینم مگر اینکه خیانت و تقلب به مسلمین را در خود جمع کرده‌ای» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۶۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۲۸۴). این حدیث دلالت دارد که کم‌فروشی فقط ناظر بر مقدار کالا نیست، بلکه به کیفیت آن نیز مرتبط است، چون فروشنده غذا فقط در نحوه عرضه تخلف کرده بود، چیزی که امروز در بازار میوه عرف مسلم شده است، ولی حضرت کار او را خیانت و تقلب در معامله توصیف کرد.

از حیث وظیفه عرضه کالا نیز امیرالمؤمنین در نامه مالک اشتر، احتکار را برای حکومت

عیب شمرده، ضمن سفارش به حمایت از بازاریان این چنین دستور داد: بدان که در بسیاری از بازرگانان و صنعتگران، بخلی زشت و آزی شدید است و به انگیزه و توقع گرانی کالا، فشار بر مردم و زورگویی به آنان به احتکار می پردازند که در آن، زیان بزرگی بر مردم و عیبی بر حاکمان است. پس آنان را از این کار بازدار و در این باره دستورهای لازم را صادر کن. آن گاه هر کس از دستورهات سرپیچی کرد، او را به عقوبت دردناکی مجازات کن - اگر خدا بخواهد (طباطبایی بروجری، ۱۴۲۹، ج ۲۲، ص ۶۳۷). در این دستور امام (ع)، موضوع تنظیم بازار از سوی حق مردم و از سوی دیگر، وظیفه حکومت توصیف شده که اگر در آن کوتاهی شود، به مردم ضرر وارد می شود ولی ننگ و عیب آن به حکومت منتسب می گردد. لذا ابعاد حقوقی موضوع تنظیم بازار برای تحقق اماره بازار مسلمین، یک موضوع حقوق خصوصی صرف نیست که به توافق طرفین محول شود. از این منظر است که بعضی بُعد عمومی آن را قوی تر دانسته، معتقدند مسئله احتکار کالا و قیمت گذاری از مهم ترین مسائل عصر حاضر شده و بُعد سیاسی و حاکمیتی آن بر بُعد اقتصادی و خصوصی آن غالب است؛ به طوری که کوتاهی در آن ممکن است موجب تزلزل یا سقوط حاکمیت شود (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۷۹ و ۶۱۱).

افزون بر این، بر شفافیت بازاری تأکید شده است که امروزه در حقوق موضوعه می تواند معیاری برای وظیفه تولیدکننده به ارائه اطلاعات و راهنمای مصرف قرار گیرد. برای مثال، کالا نباید در مکان تاریک فروخته شود، چون از هشام بن حکم نقل شده است: من خرما را در سایه می فروختم، حضرت موسی بن جعفر بر من عبور کرد و فرمود: بیع در سایه و تاریکی غش و تقلب است و غش حلال نیست (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۳). در این روایت، امام (ع) فروش در سایه یا عدم عرضه شفاف محصول را تقلب و حرام توصیف کرده اند. از این رو بعضی معتقدند در سیستم اقتصاد اسلامی برای دولت یا ولی امر جایز نیست که ربا را حلال، یا غش و تقلب در معامله را جایز بداند (صدر، ۱۴۱۷، ص ۲۸۷). در این دیدگاه از منظر حقوق بازار به عرضه شفاف کالا توجه شده است، اما از نظر حقوق خصوصی نیز فقها شفاف سازی را از وظایف هر طرف قرارداد توصیف کرده اند. برای مثال، غش، یعنی چیزی در کالا وارد کردن تا عیب آن مخفی یا مقدار آن بیشتر شود، حرام اعلام شده است (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۸۲)؛ به طوری که ماده خلطی ظاهر نباشد، مانند استفاده از روغن پالم و مواد مشابه در تولید مواد خوراکی و بهداشتی که موجب بروز جنگ روانی و عدم اعتماد به بازار می شود. بعضی این حکم را به حدیث نبوی نسبت داده اند که فرموده اند از مسلمانان نیست کسی که به آنان غش و تقلب کند (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۸، ص ۱۷۰). روایات زیادی در این باره وجود دارد که بعضی به تواتر تعبیر کرده اند (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۷۵)؛ پس تولیدکنندگان بیشتر باید از این حیث مورد نظارت قرار گیرند. لذا امام از اهرم اقتصادی و اخلاقی برای بازدارندگی از تقلب

هشدار دادند. هرچند ممکن است اظهار شود که این تکالیف شخصی است و ناظر بر احکام بازار نیست، ولی باید توجه داشت که نخست، ادله مستند به این احکام عام و بیشتر ناظر بر جامعه است تا ناظر بر روابط بایع و مشتری صرف باشد.

دوم، بر فرض اینکه ناظر بر روابط خصوصی باشد، وظیفه حاکمیت تأمین بستر حقوقی اجرایی این احکام است، چون احکام اسلامی دو نوع است: یک سری احکام عبادی است که رابطه انسان با خدای متعال را متکفل است که در این حوزه حاکم اسلامی اختیار ورود ندارد و به همین علت در بسیاری از آیات قرآن به رسول خدا خطاب شده است که تو وکیل آنان نیستی. اما نوع دیگری از احکام است که متکفل روابط اجتماعی است که حاکم اسلامی وظیفه تأمین بستر اجرایی آن را برعهده دارد. به همین دلیل پیامبر اسلام (ص) از خلط شیر با آب به قصد فروش نهی کردند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۳) و امیرالمؤمنین احتکار را عیب حکومت دانسته است و امام کاظم (ع) پول جعلی را شکسته، دستور داد به زباله‌دانی انداخته شود تا با آن معامله نشود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۶۰). در نتیجه، یکی از وظایف حکومت بسترسازی حقوقی-اقتصادی و اجرایی شدن احکام اجتماعی است که یکی از آنها ساختار حقوقی حقوق بازار است. اصل روبنایی متکفل شریک دیگر بازار یعنی مصرف‌کننده است که پس از تضمین وظایف ناشی از اصول زیربنایی از سوی دولت، مصرف‌کننده باید به بازار و تولیدات مسلمانان اعتماد کند که در ادبیات فقهی به اماره سوق مسلمین معروف است. در این راستا دلایلی بر لزوم اعتماد به بازار مسلمین وارد شده است؛ برای مثال شخصی از امام صادق (ع) پرسید: وقتی چیزی را در تصرف کسی دیدم، آیا به مالکیت او شهادت دهم؟ فرمودند: بله. شخص اظهار کرد: شهادت دهم که آن چیز را در تصرف او دیدم و شهادت ندهم که مال او است، شاید مال دیگری باشد. حضرت فرمود: آیا خرید آن مال از او جایز است؟ شخص گفت: بله. حضرت فرمود: [اگر این‌گونه که تو معتقدی، باشد] شاید آن مال متعلق به دیگری باشد از کجا جایز است که شما آن را خریداری کنی و ملک شما شود و بعد اظهار کنی که مال من است و بر آن سوگند یاد کنی؟ سپس امام صادق (ع) فرمود: اگر این موارد جایز نباشد، بازاری برای مسلمین پایدار نمی‌ماند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۸۷). پس به استناد لزوم اعتماد به بازار، نباید از مشروعیت و حلیت و طهارت مورد معامله سؤال شود و کافی است که صبغه غالب بازار، اسلامی باشد تا تصرفات در آن مشروع شود (نجفی، ۱۴۲۷، ص ۱۰).

مطابق این روبنایی که به اماره بازار معروف است، در احراز اباحه و حلیت چیزی که احتمال حرمت آن باشد یا طهارت چیزی که احتمال نجاست دارد یا تزکیه و مشروعیت کالایی که احتمال عدم تزکیه و حرمت آن داده شود، باید به بازار مسلمین اعتماد کرد؛ علی‌رغم آنکه حالت سابقه آن، عدم تزکیه و عدم حلیت است و اقتضای استصحاب نیز جریان حکم سابق

است (شاهرودی و همکاران، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۲۰). بعضی معتقدند این اماره قبل از اینکه از ضروریات جامعه اسلامی باشد، از نیازهای اساسی جامعه انسانی است، چون اگر آثار اماره بازار مانند مشروعیت از حیث ملکیت یا تزکیه و یا طهارت بر مال مترتب نشود، زندگی انسانی به حال عادی اداره نمی‌شود (نجفی، ۱۴۲۷، ص ۷).

البته اعتبار این اماره مشروط به این است که مقررات و اصول زیربنایی تولید و عرضه اغلب کالاها رعایت شود و به همین علت بازار به مسلمین اضافه شده، چون مسلمان واقعی بی‌مبالات نیست و به احکام الهی ملتزم است. بنابراین، در بازار معاصر که سودجویی یا سودپرستی مطلق مسلط شده، لازم است دولت زیرساخت‌های حقوقی بازار عادلانه را فراهم سازد، چون اعتبار اماره بازار تا حدی است که علم قطعی یا دلیل معتبر شرعی برخلاف آن وجود نداشته باشد (نجفی، ۱۴۲۷، ص ۸). در نتیجه در بازاری که به مسلمانان منتسب است، باید رعایت احکام طهارت و حلیت کالا و عدم تقلب و غش و گران‌فروشی طوری غالب باشد تا این اماره قابل استناد شود. هرچند بعضی معتقدند آثار اصلی اماره بازار مسلمین پس از اجتماع شرایط آن در سه بُعد ملکیت، طهارت و تزکیه ظاهر می‌شود (نجفی، ۱۴۲۷، ص ۱۷)، اما افزون بر این، موضوع سلامت کالا و عدم غش و تقلب در ساخت آن و نیز منصفانه بودن قیمت آن از مواردی است که مبتنی بر اعتماد بر بازار مسلمین است. لذا در صورت اثبات خلاف آن با وجود عدم ذکر در رابطه طرفین، مشتری خیار غبن، تدلیس و عیب خواهد داشت. بنابراین، به استناد این ادله حقوقی، دولت باید در حقوق موضوعه به‌گونه‌ای توازن را برقرار کند تا در کنار حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده و نیز اقتصاد ملی، اعتماد به بازار هم فراهم شود.

نتیجه

حقوق قراردادهای اولین قواعدی بود که بر مسئولیت تولیدکننده در دو سیستم حقوق نوشته و نانوشته حاکم شد، چون به دلیل ورود خسارت ناشی از مصرف محصول به مصرف‌کننده و مطالبه جبران آن، قضات به هدف تأمین عدالت ناچار به رسیدگی و حمایت از زیان‌دیده شدند که تنها اصول حقوقی قابل استناد، حقوق قراردادهای بود. لذا با تحمیل شرط و تعهد ضمنی ایمنی و سلامت کالا، وظایف آمره‌ای را برای تولیدکننده مقرر کردند و عملاً اصل آزادی قراردادی و اصل نسبی بودن قراردادهای را محدود ساختند. هرچند این تحول تا حدی موجب جبران زیان شد، اما در عمل نتوانست از زیان‌دیده به‌طور کامل حمایت کند، چون مسئولیت قراردادی نتیجه‌نگر بود و نمی‌توانست از حقوق مصرف‌کننده مانند حق دسترسی به کالای سالم حمایت کند.

همچنین دولت‌ها با هدف تأمین عدالت اجتماعی و رفاه عمومی دخالت کرده، قوانینی را با

عنوان حمایت از مصرف‌کننده تصویب نمودند. دخالت دولت و به تبع آن، دادگاه‌ها با عنوان حمایت از مصرف‌کننده، موجب پیدایش جنبش‌های حمایت از مصرف‌کننده شد و در نتیجه حمایت از مصرف‌کننده، از یک رابطه حقوقی به یک مطالبه اجتماعی تبدیل گردید. این عوامل موجب تحولاتی، مانند گذر از رفتار و تقصیر به نتیجه رفتار و نیز از مسئولیت مبتنی بر تقصیر به مسئولیت مبتنی بر عیب محصول و تحول در معیار تشخیص عیب از وجود نقصان در ساختار کالا به معیار تشخیص شخص متعارف شد.

تمام این تحولات در حوزه حقوق خصوصی با عنوان حمایت از حقوق مصرف‌کننده انجام شد. اما تحولات حقوق عمومی نیز بر حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید تأثیر داشته است، زیرا در عصر حاضر اقتدار نظام حاکم نمی‌تواند فقط بر قوه نظامی بنیان شود، بلکه باید عامل قدرت اجتماعی و قدرت اقتصادی نیز مورد توجه قرار گیرد. لذا با توجه به اهمیت و ضرورت محاسبه قدرت اجتماعی و اقتصادی در حفظ نظام حاکم، وظایفی برای تولیدکننده مقرر شد که به اقتضای این دو عامل، مسئولیت مبتنی بر تولید نباید در یک رابطه حقوقی، بلکه باید در یک ساختار حقوقی مورد توجه قرار گیرد. لذا از سویی برای تقویت قدرت اجتماعی نظام حاکم با عنوان حمایت از مصرف‌کننده و محیط زیست، و از سوی دیگر به هدف تقویت قدرت اقتصادی نظام حاکم، وظایفی تحت عنوان حقوق بازار برای تولیدکننده محصول داخلی و عرضه‌کننده کالای خارجی مقرر شد.

با وجود این تحولات در حقوق خارجی و نیز وجود ظرفیت آن در منابع حقوقی ایران، در حقوق موضوعه توجه جدی به مسئولیت تولیدکننده و ساختار حقوقی آن نشده است و فقط می‌توان از ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، رابطه تولیدکننده و مصرف‌کننده را تابع حقوق قراردادهای، و از ماده ۱۶ همین قانون رابطه مصرف‌کننده زبان‌دیده و تولیدکننده را تابع قواعد خارج از قرارداد دانست که این قواعد در نهایت زبان مصرف‌کننده را جبران می‌کند، ولی از تأمین اهداف دیگر مانند ارتقای کیفیت محصول در جهت حمایت از حقوق مصرف‌کننده در دسترسی به محصول ایمن و سالم و تأمین منافع ملی اقتصادی در بالا بردن کیفیت محصول که نقش بازدارندگی از ورود کالای خارجی و نقش حمایتی از طریق عرضه در بازار خارجی دارد، ناتوان است. همچنین موجب تضعیف قدرت اجتماعی نظام حاکم می‌شود، زیرا تولید محصول معیوب از سویی موجب تخریب و آلودگی محیط زیست و از سوی دیگر موجب نارضایتی و بالا رفتن مطالبات اجتماعی می‌شود. لذا ضروری است که در این موضوع تحولاتی حقوقی انجام شود.

منابع و مأخذ

۱. فارسی

۱. امامی، سید حسن (۱۳۶۸)، حقوق مدنی، ج ۸، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
۲. امینی، منصور و عنایت‌تبار، رشید (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی سبب و مباشر در حقوق ایران و عامل مداخله‌گر در حقوق انگلیس» مجله مطالعات حقوقی، ش ۱.
۳. باریکلو، علیرضا (۱۳۹۴)، حقوق قراردادها، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۴. باریکلو، علیرضا (۱۳۹۳)، مسئولیت مدنی، تهران: میزان.
۵. جعفری‌تبار، حسن (۱۳۷۵)، مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا، تهران: دادگستر.
۶. خورسندیان، محمدعلی و امیری میلاد (۱۳۹۷)، «مطالعه تطبیقی تعهدات طرفین قراردادهای خدمات در حقوق ایران و اروپایی»، مجله حقوق تطبیقی، ش ۱.
۷. شهیدی، مهدی (۱۳۸۲)، آثار قراردادها و تعهدات، تهران: مجد.
۸. صفایی، سید حسین و شعبانی کندسری، هادی (۱۳۹۴)، «مبنای مسئولیت مدنی تولید کنندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، اسلام، امریکا و اتحادیه اروپا»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ش ۴.
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، حقوق مدنی: عقود معین، ج ۱، تهران: شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا انتشارات مدرس.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، ضمان قهری، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱)، مسئولیت ناشی از عیب تولید، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، تهران: شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا.

۲. عربی

۱۳. اردبیلی، احمد (۱۴۰۳)، مجمع الفائدة و البرهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵)، کتاب المکاسب، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۱۵. طباطبایی، سید علی (۱۴۱۸)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۶. حرّ عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۷. صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۷)، اقتصادنا، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۸. طباطبایی بروجری، آقاحسین (۱۴۲۹)، منابع فقه شیعه، مترجمان: حسینیان قمی و

- مهدی صبوری، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
۱۹. طوسی، ابوجعفر، محمدبن حسن (۱۴۰۷)، تهذیب الأحكام، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
 ۲۰. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۴)، تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
 ۲۱. فخرالمحققین، محمدبن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ق)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ج ۲، چ ۱، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
 ۲۲. کاشف الغطاء، محمدحسین بن علی بن محمد رضا (۱۳۵۹ق)، تحریر المجله، ج ۲، قسم ۱، نجف اشرف: المكتبة المرتضوية.
 ۲۳. کلینی، ابوجعفر، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
 ۲۴. منتظری، حسین علی (۱۴۰۹)، دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الإسلامیه، قم: نشر تفکر.
 ۲۵. نجفی، بشیرحسین (۱۴۲۷)، بحوث فقهیه معاصره، نجف اشرف: دفتر حضرت آیه الله نجفی.
 ۲۶. هاشمی شاهرودی، سید محمود، و جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳)، موسوعه الفقه الإسلامی طبق المذهب أهل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب أهل بیت عليهم السلام.

۳. انگلیسی

27. Charman, Mary (2007), Contract Law ,Culmcott House, Willan Publishing.
28. Cooter, r.c. (1991), "Economic theories of Legal Liability" Journalof Economic Perspectives 5(3), p.11–30)
29. FAIRGRIEVE, DUNCAN (2005), PRODUCT LIABILITY IN COMPARATIVE PERSPECTIVE Edited, "L'exception fran, caise? The French law of Product liability", New York, Cambridge University Press.
30. Geoffrey Samuel (2001), Law of Obligations and Legal Remedies, London, Cavendish, Publishing Limited.
31. Goodden, Randall L. (2009), Reducing the Risk of Product Liability for Manufacturers, New Jersey, John Wiley & Sons, Inc.
- Koziol, Helmut (2015), Basic Questions of Tort Law from a Comparative Perspective, KG Wien, Jan Sramek Verlag.
32. Guest.m. A, A. G (1986), Anson's law of contract, Oxfford, Clarendon press.
33. Hondius, E. (2004), "The Protection of the Weak Party in a Harmonized European Contract Law: A Synthesis" *Journal of Consumer Policy* ,27, p. 472–511.
- Koziol, Helmut, Steininger, Barbara C., (2009), European Tort Law 2008, European Centre of Tort and Insurance Law, Wien, Springer-Verlag.

34. Koziol, Helmut and Wilcox, Vanessa (2009), *Punitive Damages: Common Law and Civil Law Perspectives*, New York, SpringerWien.
- Moréteau, Olivier (2015), *Basic Questions of Tort Law from a Comparative Perspective*, Wien, Jan Sramek Verlag.
35. Kronman, Anthony T. (1980), "Contract Law and Distributive Justice" *The Yale Law Journal*, Vol. 89(3), p. 472–511.
36. Palmer, V. (1989), "a General theory of the inner structure of strict Liability: common Law, civil Law and comparative Law" *TULANE LAW REVIEW*, Vol. 62, p.1303-1354.
37. Reich, n. And Micklitz, H-w. (1980), *Consumer Legislation in the European Community Countries: A Comparative Analysis*, London, VAN NOSTRAND REINHOLD COMPANY.
- Stapleton, J. (1994) *Product Liability*, London: Butterworths.
38. Stapleton, J. (2003), "cause in Fact and the scope of Liability for consequences" *the law quarterly review*, vol 119, p.388-425.
39. Sterrett, Lauren (2015), "Product Liability: Advancements in European Union product Liability Law and A Comparison between The EU and U.S. Regime" *Michigan State International Law Review*, Vol. 23.3, p.885-924.
40. Tulibacka, Magdalena (2009), *Product Liability Law in Transition*, UK, *Oxford University*.
- Treitel, (1995), *the law of contract*, London, sweet&Maxwell.
41. VAN DAM, CEES, (2013), *European Tort LAW*, United Kingdom, Oxford University Press.